

مصاحبه با هدایت دیده بان، محیط بان برگزیده کشور در سال ۹۴



مهسا برکت^۱

دانشجوی کارشناسی، رشته علوم و مهندسی
محیط زیست، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران
mahsabarkatzeaei@ut.ac.ir

هدایت دیده بان، برنده جایزه یحیی در سال ۹۴ است، جایزه ای که به یادبود محیط بان، یحیی شاه کوه محلی، همه ساله از طرف سازمان حفاظت محیط زیست به محیط بانان برجسته اهدا می گردد. دیده بان، کار حفاظت از حیات وحش را در سال ۱۳۸۰، در منطقه حفاظت شده خائیز (کوه خیز و سرخ)، برحسب علاقه و به سبب آشنا بودن با آن منطقه آغاز کرده است. وی

تا ده سال اول کارم، سرگین و ردپای پلنگ را ندیدم اما در حال حاضر بارها از ردپای پلنگ در صفحه اینستاگرامم منتشر کرده‌ام.

سازمان حفاظت محیط زیست چه تدابیری برای حفاظت جان شما اندیشیده است؟

سازمان، اسلحه و شوکر را در اختیار محیط بانانی که بتوانند خشم خود را کنترل کنند و حساب شده وارد عمل شوند، قرار می‌دهد؛ من خودم تا شعاع ۲۰۰ کیلومتری خارج از منطقه اجازه استفاده از اسلحه‌ام را دارم، اما باین وجود، تابه حال دو بار تیر خورده‌ام. یک بار، شکارچی، شبانه کانکس محل سکونت‌م را آتش زد و هنگام بیرون آمدنم از آتش، به من شلیک کرد. در یک عملیات دیگر، یک نفر زخمی و دیگری کشته شد و علی‌رغم اینکه من مسلح نبودم، به همراه دیگر همکارانم ۱۷ روز را در بازداشت گذراندم. همکارم ۵ سال و هشت ماه زندانی و پس از آن منع تعقیب شد و نکته جالب توجه آن است که تمام آن اتفاقات را فیلم گرفته بودم اما نهایتاً به ضرر محیط بان تمام شد؛ این در حالی است که شکارچی، معمولاً مشمول حبس تعزیری می‌شود!

همکاری مردم محلی با شما به چه صورت است؟ آیا پذیرای فعالیت شما هستند؟

روستاییان اکثراً با ما مخالف‌اند، چرا که ما مخالفت جدی خود را با دامداری و شکار نشان داده‌ایم؛ همان‌طور که می‌دانید، از دیرباز تاکنون، تخریب زیستگاه، بزرگترین معضل حیات وحش، نه تنها در ایران بلکه در دنیا بوده است.

منطقه خائیز، پیش از انقلاب، منطقه‌ای آزاد به شمار می‌رفت و محل زندگی دامداران بسیاری بود، شکار مرسوم‌تر بود که باعث شب‌زی شدن کل و بز شده بود و تا سال‌های اولیه حضور ما در منطقه، یعنی بیست سال بعد از آن، همچنان طی گشت‌های فراوانی که داشتیم، صدای پای گذر آن‌ها را می‌شنیدیم.

در این منطقه طرح گردشگری‌ای که قرار است اجرا شود، تیر خلاص دیگری برای خائیز است چرا که بنا دارند ۳۰ هکتار از منطقه حفاظت شده را فنس کشی کنند؛ این در حالی است که قلمرو روباه ۵ الی ۴۵ کیلومتر از لانه‌اش و برای پلنگ ۴۰ کیلومتر است و با فنس کشی، عملاً تردد حیات وحش را مختل می‌کنند.

علاوه بر این، چه موارد دیگری را عامل تهدید منطقه می‌دانید؟

در این مصاحبه که در ۱۵ فروردین ۱۴۰۲ صورت گرفته، از علاقه خود به حیات وحش خائیز، یافتن ردپای پلنگ، مصائب و سختی‌های کار با سازمان و دستگیری شکارچیان می‌گوید.

چه خاطرات شاخصی در این دوده کار حفاظت در منطقه دارید؟

به خاطر دارم که یک بار یک شکارچی را در دل کوه گرفتیم و بعد از صحبت با او متوجه شدم تمامی ۹ روز گذشته را برای شکار، در کوهستان خوابیده تا بتواند ۶ کل و بز شکار کند. طی آن ۹ روز، از طریق تماس تلفنی با فرزندانش، آن‌ها را به محل شکار می‌کشاند تا شکارها را برای فروش، از منطقه خارج کنند. او تمام این مدت را به صورت مخفیانه گذرانده و تنها برای استحمام، خود را به چشمه می‌رسانده است.

در نهایت شکارچی را به پاسگاه فرستادم و ۱ الی ۸ سال حکم زندان به او داده شد اما این دست شکارچیان که معمولاً هم تبرئه می‌شوند یا دوران حبس کوتاهی را می‌گذرانند، پس از آزادی، دوباره به شکار روی می‌آورند؛ یعنی شکارچیان هستند که ۱۰ بار آن‌ها را دستگیر کرده‌ام، یا کسی را به خاطر می‌آورم که ۱۲ قبضه اسلحه از او گرفتیم ولی هنوز هم ممکن است در این اطراف پیدایش کنم! اما در حال حاضر تعداد این نوع شکارچیان در حال کاهش است زیرا نسل جدیدشان، مانند سابق، کاربلد نیستند و حداکثر یک شب را بتوانند در کوه بگذرانند.

یک بار دیگر نیز، یک شکارچی ۵۰ ساله را در ارتفاعات، از نحوه قدم برداشتنش شناسایی کردم (برای ناشناس ماندن، چهره‌هایشان را می‌پوشانند) اما به تاریکی شب خورديم و نتوانستیم او را در منطقه دستگیر کنیم. طی تماسی که با دادستان داشتیم، توانستم حکم ورود به منزل را از وی دریافت کنم و ساعت ۱۲ شب، به همراه همکارانم، در محل زندگی شکارچی حضور پیدا کردیم و نتیجه آن شد که شکارچی را به همراه کل و بزهایی که شکار کرده بود و یک اسلحه به پاسگاه تحویل دادیم. راستش را بخواهید من بر این باورم که طبیعت انتقام خود را می‌گیرد!

خوب است در اینجا خاطره‌ای از شکار خودم را هم نقل کنم. خود من یک تفنگ ساچمه‌ای داشتم و به وسیله آن پرند ه‌های روی درخت خانه‌مان را شکار می‌کردم. روزی پدرم مرا کنار کشید و تذکر داد: «پرند ه‌ای که به خانه تو پناه آورده را نباید بکشی». این حرف تا همیشه در خاطر من ماند و منجر به علاقه‌مند شدنم به حفظ طبیعت و ورود به عرصه محیط زیست شد.

آیا تابه حال ردپای حضور جانوری را که پیش‌تر در منطقه حضور نداشته را دیده‌اید؟

افزایش بودجه صورت نگرفت؛ مثلاً منطقه به آبشخور نیاز داشت و ما خودمان آن را ساختیم! و یا من با هزینه شخصی خود، تابلوهایی برای هشدار عبور حیات وحش در جاده نصب کردم.

همان‌طور که در ابتدا هم گفتم، از روزی که آغاز به کار کردم، با چالش‌های زیادی روبه‌رو شده‌ام؛ اسیدپاشی روی ماشین، سوزاندن موتور و تهدید در مواقع خطر از این قبیل موارد بودند؛ ولی ادامه دادم و پشتکار داشتم. چند سال پیش، سارقین به صورت مسلحانه، اقدام به دزدیدن کابل‌های نیروگاه مارون کرده بودند. پس از چند جلسه‌ای که با مدیرعامل سد مارون داشتیم، به ما قول داده شد در صورت دستگیر کردن سارقین توسط محیطبانان، مشمول کمک مالی می‌شویم. پس از ۱۵ روز کمین در منطقه، نهایتاً او را دستگیر کردم و تنها درخواستم همین اتاقی است که در حال حاضر با شما در آن حضور داریم!

علاوه‌بر تابلوها که تعدادشان در مسیر قابل توجه بود، آیا گذرگاه حیات وحش هم احداث کردید؟

در این منطقه الزامی برای گذرگاه نبوده چراکه سرعت و تعداد ماشین‌های عبوری کم است. تصادفات جاده‌ای هم بیشتر برای گربه‌سانان، اتفاق می‌افتد و برای کل و بز کمتر است.

وسخن آخر، فکر می‌کنید چه کاری از دانشجویان و جامعه دانشگاهی برای حفاظت از مناطق چهارگانه بر می‌آید؟

من معتقدم که رسانه‌ای کردن این گزارش‌ها، پیگیری مسائل محیط‌زیست و داشتن فعالیت‌های میدانی می‌توانند مفید واقع شوند.

عکس‌ها از صفحه اینستاگرام هدایت دیده‌بان

علاوه‌بر تجاری‌سازی و اعمال طرح‌های ساخت‌وساز و شکار بدون مجوز، چرای بی‌رویه و غیرمجاز و همان‌طور که گفته شد تخریب زیستگاه از اصلی‌ترین عوامل تهدید در این منطقه هستند. برای شکار غیرمجاز آمار دقیقی نداریم اما می‌توان گفت در سال حدود ۱۰۰ الی ۱۵۰ شکار غیرمجاز صورت می‌گیرد.

راه‌حل عملی شما به عنوان محیطبان برای کنترل عوامل تهدید چه بوده است؟

ببینید، وقتی چرا در یک منطقه‌ای صورت می‌گیرد، در واقع دام، علفی را که دوست دارد می‌خورد؛ پس بقیه علف‌ها به مرحله بذریا می‌رسند و آن وقت است که شما منطقه‌ای را می‌بینید که سراسر پوشیده از بهمن است، لذا ما برای کنترل منطقه می‌توانیم از حضور طولانی مدت دام در ارتفاعات جلوگیری کنیم. طبق پروانه چرا، تعداد رأس مجازی که می‌توانند به چرا بپردازند حدود ۹۰ رأس است اما شما همیشه تعداد رؤس بیشتری را در منطقه، مشغول به چرا می‌بینید.

آیا برای بهبود شرایط حفاظت، از خیرین شهرستان‌های مجاور کمک گرفته‌اید؟

خیر، تا به حال کمک مادی صورت نگرفته است اما در آتش‌سوزی‌های اخیر، مردم عادی مثل کوهنوردان، سنگ تمام گذاشتند. یک بار هم یک جغد ماهی‌خوار، اشتباه وارد نیروگاه روبه‌رو سد مارون شد. کارمندان نیروگاه تمام فن‌ها را خاموش کردند و بالاخره پس از ۶ ساعت توانستیم جغد را زنده‌گیری کنیم.

دلیل عمده آتش‌سوزی سال‌های اخیر منطقه حفاظت‌شده خائیز چه بوده است؟

آتش‌سوزی‌ها به دو دسته عمدی و غیرعمدی تقسیم می‌شوند که آتش‌سوزی عمدی نادر است و عوامل طبیعی مثل رعدوبرق‌های شدید در فصل بهار، آن را به وجود می‌آورند. بی‌ملاحظگی گردشگران و خصومت‌های شخصی هم از دلایل آتش‌سوزی‌های عمدی هستند.

کسب جایزه یحیی در سال ۹۴ برای شما، شهرت خائیز را بیشتر کرد؟ یا بهتر است بپرسم چه تغییر مشخصی در وضعیت این منطقه ایجاد کرد؟

انتظار می‌رفت که توجه سازمان و مردم محلی به حفاظت از این منطقه بیشتر شود اما تغییر چندان‌ی مثل

